

نمونه آراء دادگاه‌های انتظامی*

حکم شماره: ۳۳۴-۲۸/۸/۱۳۸۲

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات

هیأت دادرسان: آقایان حاج آقا هادی مروی رییس و محمدباقر شهرامی و محمد تقی

تدین مستشاران دادگاه

موضوع پرونده: رسیدگی به اعتراض آقای..... بر رأی مورخ ۸۱/۹/۲۴ شعبه اول

دادگاه انتظامی کانون مرکز.

خلاصه جریان پرونده: در تاریخ ۸۰/۴/۹ آقای س.... شکایتی علیه آقای م.... به کانون وکلای مرکز تقدیم و ضمن آن خلاصتاً توضیح داده در تاریخ ۷۹/۱۱/۵ بموجب وکالتنامه شماره ۲۵۳۰۵- به آقام.... وکالت دادم که در جهت احقاق حق و حقوق از دسته رفته اینجانب اقدام نماید پس از گذشت پنج ماه هیچ گونه اقدامی به عمل نیاورده و با مراجعات مکرر خود را پنهان می‌کرد و باید اضافه کنم در بدو امر مبلغ چهار میلیون ریال از اینجانب گرفته که هر چه سریعتر نسبت به پیگیری کارم اقدام نماید و با گذشت مدتی دنبال کار اینجانب نرفته و موجب خسارات اینجانب گردیده و تقاضای تعقیب نامبرده را دارم کانون در تاریخ ۸۰/۱۰/۱۳ دستور داده به شاکی اعلام شود دقیقاً مشخص نمایند از وکیل در خصوص چه امری شکایت دارند و شکایت شاکی نیز جهت پاسخ‌گویی برای وکیل ارسال شود شاکی مجدداً در تاریخ ۸۰/۱۰/۳۰ توضیح داده با اینکه وکیل مرقوم چهار میلیون ریال از اینجانب گرفته دنبال کارم نرفته و با تشریح موضوع تقاضای تعقیب او را نموده است که ظاهراً وکیل مشتکی عنه پاسخی نداده که دادرسی انتظامی کانون وکلا پس از ملاحظه لوایح شاکی انتظامی در تاریخ ۸۰/۱۱/۹ خلاصتاً چنین اظهار نظر نموده... با عنایت به مراتب بالا نظر به اینکه آقای س.... دلیلی بر اثبات مسامحه و

* - نمونه آراء دادگاه‌های انتظامی از آن جهت در مجله کانون درج می‌گردد که وکلا و کارآموزان از نحوه نگرش و استنباط قضات و دادرسان دادگاه‌های انتظامی نسبت به تخلفات انتظامی آگاهی یابند.

عدم اقدام وکیل مشتکی عنه یا سازش و تبانی و یا اخاذی ایشان نقد نموده است و نظر باینکه علاوه بر عدم ارائه دلیل از جانب شاکی اصولاً رسیدگی به ادعای تبانی و اخاذی مستلزم اثبات ادعای مذکور در محاکم صالحه می باشد علیهذا به لحاظ فقد دلیل کافی در احراز تخلف آقای م.... وکیل مشتکی عنه عقیده به منع پیگیری دارم که دادستان انتظامی کانون نیز در تارخی ۸۰/۱۱/۱۴ با قرار صادره موافقت نموده که این قرار به شاکی انتظامی ابلاغ شده نامبرده بشرح لایحه مورخ ۸۰/۱۲/۲۳ با توضیح و تشریح مراتب اضافه کرده نامبرده با قبول وکالت به الزام و تعهد خود عمل نکرده و مبلغ چهار میلیون ریال گرفته کاری انجام نداده و به نظر با تبانی با طرف هیچ گونه اقدامی برای کار اینجانب نکرده بنابراین مراتب استدعای نقض قرار منع تعقیب و محکومیت نامبرده مورد استدعا است که کانون پرونده را به شعبه اول دادگاه انتظامی کانون ارسال داشته که شعبه مذکور در تاریخ ۸۱/۴/۱۶ تشکیل جلسه داده و در آن جلسه باتفاق آراء تصمیم گرفت که به مشتکی عنه آقای م.... اخطار شود که در جلسه رسیدگی بعدی کلیه مدارک و دلایل خود را در رابطه با انجام وظایف وکالتی خود در قبال شاکی به دادگاه ارایه نماید دادگاه مقرر می دارد که جهت رسیدگی به پرونده وقت رسیدگی جدید تعیین و از مشتکی عنه دعوت بعمل آید که برای جلسه ۸۱/۸/۲۶ اخطاریه بویکل مشتکی عنه ابلاغ نشده دادگاه دستور داده وقت دیگری تعیین شود و اضافه کرده آقای م.... بر مبنای پرونده پرسنلی خود دارای دو فقره محکومیت انتظامی به ترتیب در سال ۷۸ در شعبه دوم به علت تخلف از قسم و عدم تمدید پروانه به ترتیب به چهار ماه ممنوعیت از اشتغال بوکالت دادگستری و همچنین به توییح با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون محکوم شده و مجدداً وکیل مشتکی عنه را برای ۸۱/۹/۲۴ برای رسیدگی دعوت نموده نامبرده حاضر نشده دادگاه خلاصتاً چنین رأی داد:

با ملاحظه سوابق مشتکی عنه بشرح مندرج در صورتجلسه مورخ ۸۱/۸/۲۶ آقای م.... اصلاً از سال ۷۰ تاکنون پروانه وکالت خود را تمدید نکرده ثانیاً در سال ۷۸ به حکم دادگاه انتظامی به علت تخلف از قسم و عدم تمدید پروانه به ۴ ماه ممنوعیت از وکالت و توییح با درج در روزنامه رسمی سپس در تاریخ ۸۰/۲/۹ مجدداً به توییح با درج در روزنامه رسمی محکوم شده با اینکه مکرر دعوت شده، در جلسات دادگاه حاضر نشده

با توجه به دلایل شاکی و اینکه مشتکی عنه وکالتنامه تنظیم و طبق رسید از موکل حق الوکاله دریافت نموده اما هیچگونه اقدامی برای موکل انجام نداده و با عدم پاسخ باختاریه دادسرا و عدم حضور در جلسه دادگاه طبق ماده ۶۳ آیین‌نامه ادعای شاکی مقرون به صحت تشخیص داده می‌شود لذا دادگاه با فسخ قرار منع پیگرد دادسرا چون تخلف نامبرده منطبق با بند ۳ ماده ۸۳ و تخلف از قسم می‌باشد و از طرفی با توجه به ماده ۸۴ آیین‌نامه قانون استقلال کانون وکلای قبل از گذشت سه سال از محکومیت پیشین (در سال ۱۳۷۸ و ۷۹) به تخلف از قسم محکوم شده آقای م... را با استناد بند ۳ ماده ۸۱ ناظر به بند ۵ و ۶ آیین‌نامه یاد شده به محرومیت دائم از شغل وکالت محکوم می‌نماید که این رأی در تاریخ ۸/۱۱/۸۱ برای ابلاغ به نامبرده ظاهراً از طریق پست عادی ارسال شده و نامبرده در تاریخ ۸/۱۲/۸۱ نسبت به رأی کانون اعتراض نموده و اضافه نموده رأی صادره در تاریخ ۲۷/۱۱/۸۱ بوی ابلاغ شد در مهلت قانونی نسبت به رأی دادگاه اعتراض دارد... و توضیح داده دادگاه صادرکننده حکم بدوی با سعی بسیار در صدد آن برآمده تا اینجانب را که در یک حالت بحرانی قرار داشته‌ام و می‌دانست در چه شرایطی بوده‌ام و ادامه کار برای موکل برایم ممکن و میسر نبوده است و از طرفی خواستار آن شده بودم تا موضوع را از طریق دیگری پیگیری و فیصله دهم شاکی با علم کامل به این موضوع نه تنها جهت آنچه در بدو امر تحت عنوان حق الوکاله به من پرداخت نموده بود مراجعه ننموده و من نیز در انتظار اینکه وجه ایشان را بعد از مذاکره به ایشان مسترد دارم و با تشریح مطالب تقاضای نقض رأی صادره را نموده است کانون وکلای دادگستری نیز در پاسخ لایحه اعتراضیه معترض لایحه فرستاده که به شماره ۶۹۸۲ مورخ ۱۵/۲/۸۲ ثبت دفتر این دادگاه شده با تشریح مطالب و اینکه معترض هیچ‌گونه دلیلی بر بی‌ثباتی رأی باشد ارایه و اقامه ننموده و دادنامه منطبق با موازین قانونی است تقاضای تأیید رأی صادره را کرده است با توجه به مراتب و انجام مشاوره بشرح زیر مبادرت بصدور رأی می‌نماید.

رأی دادگاه:

اعتراض و تجدیدنظرخواهی آقای م... نسبت به دادنامه شماره ۲۰۹۰۴ مورخ

۸۱/۹/۲۴ شعبه اول دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز با توجه به رسیدگی های بعمل آمده و دلایل و مستندات پرونده وارد نیست و نظر به اینکه معترض به شرح لایحه اعتراضیه ثبت شده بشماره ۶۲۷۴ مورخ ۸۱/۱۲/۸ (که ثبت دفتر دادگاه انتظامی قضات شده) پس از قبولی وکالت از موکل و اخذ حق الوکاله هیچ گونه اقدامی به عمل نیاورده و ایراد و اعتراض مؤثری هم ارایه و ابراز ننموده که قابل اعتنا و ترتیب اثر باشد لذا ضمن ردّ اعتراض معترض تصمیم مورخ ۸۱/۹/۲۴ شعبه اول دادگاه انتظامی کانون مرکز ابرام می شود.



حکم شماره: ۸۱۵۶-۱/۴/۱۳۸۲

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه عالی انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز
در تاریخ اول تیر ماه هشتاد و دو در وقت مقرر شعبه اول دادگاه انتظامی کانون وکلای
دادگستری مرکزی با تصدی امضاکنندگان ذیل پرونده کلاسه فوق موضوع شکایت
ریاست اداره معاضدت قضائی کانون مرکز بطرفیت خانم.... وکیل پایه یک دادگستری
مبنی بر عدم پیگیری کار موکل معاضدت و همچنین اخذ وجه از مشارالیه تشکیل
است. حسب محتویات پرونده طی نامه ۳۳۵ / م - ۲۳ / ۷ / ۸۱ اداره معاضدت در اجرای
وظیفه قانونی وکلای انجام کار معاضدتى جهت خانم.... جهت اخذ گواهی انحصار وراثت
به مشتکی عنها ارجاع شده است از پیگیری کار معاضدتى به علت انجام آن از طرف
برادر موکل معاضدتى خودداری و به علت نگرانی موکل برای انجام کار وی مبلغ هفتاد
هزار تومان از موکل معاضدتى اخذ نموده است. حسب گزارش رییس اداره معاضدت،
وکیل مشتکی عنها منکر دریافت وجه نشده و اظهار نموده که بیکار نیست که دم به
ساعت برای او موکل معاضدتى ارجاع می‌گردد. همچنین مشتکی عنها اظهار می‌دارد که
بدون پول نمی‌توان کاری انجام داد. آقای دادیار انتظامی تقاضای صدور رأی مقتضی را
درخواست می‌نماید. در تحقیقات به عمل آمده از وکیل مشتکی عنها در دادرسی نامبرده
اظهار نموده که اولاً چون موضوع انجام کار معاضدتى توسط خانواده موکل اقدام شده
موجبی برای ادامه کار نبوده است. ثانیاً دریافت مبلغ مذکور (هفتاد هزار تومان) در
خصوص پرونده معاضدتى بوده اما برای کار معاضدت نبوده است و موکل معاضدتى با
طیب خاطر مبلغ را بعد از تلاش‌های زیادی که نمودم پرداخت نموده و بعد از ۲۴ ساعت
آن را پس گرفت و این موضوع نمایانگر اختلال روحی شدید موکل مذکور بوده است و
سپس مشتکی عنها مدعی شده است که اقداماتی از قبیل جستجو در جهت یافتن مسکن
مناسب و غیره جهت موکل معاضدتى انجام داده است.

دادسرای انتظامی بشرح کیفرخواست صادره با توجه به شکایت مطروحه و ادله
ارائه شده در خصوص عدم انجام وظایف و تکلیف امر معاضدتى به وکیل مشتکی عنها
به دلیل انجام آن از طرف خانواده موکل معاضدتى نسبت به خانم منع تعقیب صادر
نموده ولی درخصوص اعمال و رفتار مشارالیه مبنی بر دریافت وجه از موکل معاضدتى

و عدم رعایت مقررات ماده ۴۳ آیین‌نامه قانون وکالت و برغم استرداد وجه مأخوذه عمل نامبرده را خلاف شأن وکالت تلقی و منطبق بر قسمت اخیر بند یک ماده ۸۰ ناظر به بند ۴ ماده ۷۶ آیین‌نامه تقاضای تعقیب وکیل مشتکی عنها را نموده است. دادگاه پس از بررسی محتویات پرونده بشرح ذیل مبادرت به اتخاذ تصمیم می‌نماید:

رای دادگاه:

با توجه به شکایت اداره معاضدت کانون وکلای دادگستری مرکز و دلایل مرقوم در کیفرخواست صادره از جانب دادرسی انتظامی کانون مرکز و با عنایت به اقرار وکیل مشتکی عنها در مراحل مختلف رسیدگی پروژه مبنی بر دریافت مبلغ هفتاد هزار تومان به عنوان حق الوکاله از موکل معاضدتی برغم استرداد وجه مأخوذه به نامبرده نظر باینکه عمل وکیل مذکور با توجه به ماده ۴۳ آیین‌نامه قانون وکالت که وکلا را مکلف به تنظیم قرارداد وکالت راجع به امور معاضدتی نموده است و دریافت وجه از موکل معاضدتی از مصادیق اعمال و رفتار خلاف شئون وکالت منطبق بر بند ۱ ماده ۸۰ آیین‌نامه لایحه استقلال محسوب می‌گردد و النهایه نظر باینکه وکیل مشتکی عنها مبادرت به استرداد وجه مأخوذه به موکل معاضدتی نموده است لذا دادگاه وکیل موصوف را مستحق تخفیف دانسته با کلیه وجه تخفیف عمل نامبرده را منطبق به بند ۳ ماده ۷۶ آیین‌نامه لایحه استقلال دانسته و وی را محکوم به توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون می‌نماید. رای صادره قطعی می‌باشد.